

علم أصول الفقه

٢٤-١١-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٤٧

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حَقُّ الْمُؤْمِنِ وَ حُرْمَتِهِ

- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.
- وَقَالَ ع إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حُرْمَاتٍ حُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَ حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ حُرْمَةُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ حُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ

- ۲. تقیه‌ی خوفی در مقابل غیر مسلمان معنا دارد، اما تقیه‌ی مداراتی به این معنا که به گونه‌ای رفتار نماییم که خلاف حکم شرع باشد، صحیح نیست.
- ما قاعدتاً مجاز نیستیم خلاف حکم شرعی رفتار کنیم. ولی می‌توانیم در عین حال که خلاف شرع انجام نمی‌دهیم به گونه‌ای رفتار نماییم که موجب دلزدگی غیر مسلمان از اسلام نشود.

تقیه در سنت

- در صورتی که معصوم علیه السلام فعل یا قول خویش را از روی تقیه - چه خوفی و چه مداراتی - صادر نماید، فعل یا قول او بیانگر واقع نیست. امام علیه السلام در این هنگام حکمی را بیان می‌کند یا رفتاری را انجام می‌دهد که خود، آن را درست نمی‌داند.

تقیه در سنت

- در واقع در موارد تقیه فعل یا قول امام علیه السلام بر طبق نظر غالب مردم است. این نظر هر چه باشد، نظری است که اکثریت پذیرفته‌اند. با این وصف می‌توان گفت امام در موارد تقیه ناظر به موقعیت است. بدیهی است در اینجا نظر به موقعیت، در مقام جهت صدور است؛ چراکه امام علیه السلام در صدد بیان حکم واقعی نیست. همین مطابقت رفتار یا گفتار معصوم علیه السلام با نظر اکثریت مردم - یا به تعبیر دیگر با نظر فقهی غالب - معیاری برای تشخیص موارد تقیه است.

تقیه در سنت

- با این وصف دو چیز در اینجا به عنوان مبادی دلالتی سنت مطرح است، آن دو عبارتند از:
- ۱. در رفتارها و گفتارهای معصومان علیهم السلام احتمال تقیه وجود دارد.
- ۲. در مواردی که گفتار یا رفتار از روی تقیه صادر می‌شود، رفتار و گفتار بر طبق نظریه‌ی غالب است.

تقیه در سنت

- اما این بحث که با چه معیاری سخن یا رفتار معصوم علیه السلام را بر تقیه حمل می‌کنیم، یک بحث اصولی است و از نطاق بحث‌های فعلی خارج است.

تقیه در سنت

- فقط اجمالاً باید بدانیم که در بحث اصولی هر رفتار یا گفتاری را که مطابق نظریه اکثریت باشد، از روی تقیه نمی‌دانیم؛ بلکه به عکس معتقدیم اساساً ائمه علیهم السلام در مقام حکم واقعی بودند و مسئولیت آنها بیان حقیقت بود و تقیه امری خلاف اصل است. گاهی شرایط اقتضا می‌کرده که آنها تقیه نمایند.
- بنابراین برای حکم به تقیه بودن یک رفتار یا گفتار، حتماً باید تقیه بودن آن را احراز نماییم و شاهد و قرینه‌ای بر آن بیابیم.

تقیه در سنت

- بله یکی از مواردی که تقیه نبودن فعل یا گفتار معصوم علیه السلام را تقویت می‌کند، مخالفت آن با نظریه‌ی غالب است. و این که می‌گوییم «تقویت می‌شود» به دلیل این است که ضرورتاً تقیه به این نیست که رفتار و گفتار امام مطابق نظر اکثریت باشد. چراکه گاهی در تقیه شخص کاری را انجام می‌دهد که در نظر مخالفان، مطابق رویه‌ی شیعیان نیست؛ اما در عین حال موافق نظر اکثریت نیز نیست. در واقع آنچه در این صورت مورد نظر بوده، نفی احتمال شیعه بودن در نظر مخالفان است و با این فعل چنین هدفی حاصل شده است.

تقیه در سنت

- اگر قرینه‌ای بر تقیه‌ای بودن رفتار یا گفتار معصوم علیه السلام بیابیم، آن را بر همان حمل می‌کنیم و در این موقع است که بسیاری از رفتارهای آنها را می‌توانیم توجیه کنیم. در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

تقیه در سنت

- أ. حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با خلفا همکاری می‌کرد.
- بخش وسیعی از این همکاری به جهت تقیہی مداراتی بود که حضرت علی علیه السلام برای حفظ وحدت اسلامی و عدم تفرقه بین صفوف مسلمانان و با توجه به موقعیت حساس اسلام در آن زمان انجام می‌داد.
- از این رو، هر جا که بیان حق منافاتی با مصالح اسلام نداشت، به بیان حق می‌پرداخت.

تقیه در سنت

- در رویه‌ی عمومی حضرت علی علیه السلام هیچ اقدامی برای سرنگون کردن حکومت و به دست گرفتن خلافت نمی‌بینیم.
- حتی بعد از خلیفه‌ی سوم وقتی مردم به حضرت علی علیه السلام روی آوردند، خلافت را با اکراه پذیرفت و علت آن دو امر بود:
- ۱. مردم آمادگی حکومت حضرت علی علیه السلام را نداشتند و این مطلبی بود که تاریخ ثابت نمود.

تقیه در سنت

- ۲. از ابتدا حضرت علیه السلام در موضع اتهام و تهمت بود. تصور عوام این بود که حضرت علیه السلام خواهان قدرت است. مسلماً اگر حاکمی در دید مردم زمانه-ی خویش به عنوان یک حاکم خودخواه و قدرت طلب تلقی شود، از آن محبوبیتی که باید برخوردار نیست و چنین چیزی با حرکت حضرت علی علیه السلام سازگار نبود.

تقیه در سنت

- ب. امام کاظم علیه السلام فرمود: امام حسن و امام حسین علیهما السلام پشت مروان نماز خواندند. ما هم پشت سر اینها نماز می خوانیم.

تقیه در سنت

- ج. علی بن یقظین در نامه-ای از حضرت کاظم علیه السلام در مورد کیفیت وضو سؤال کرد. حضرت علیه السلام ضمن اشاره به این مطلب که از اوضاع وی با خبر است، نحوه‌ی وضوی اهل سنت را شرح نمود.

تقیه در سنت

- د. حاکم وقت، امام صادق علیه السلام را فرا خواند و به آن حضرت علیه السلام گفت: روزه بگیریم یا افطار کنیم؟ حضرت در جواب فرمود: خلیفه تویی. بگویی روزه بگیرید، می‌گیریم، بگویی افطار کنیم، می‌کنیم. خلیفه دستور غذا داد. امام علیه السلام فرمود: غذا آوردند و من هم خوردم، با این که می‌دانستم ماه مبارک رمضان است؛ زیرا می‌دانستم یک روز قضا کنم بهتر از آن است که کذا و کذا شود.

تقیه در سنت

- البته این مورد اخیر، از مواردی است که خود حضرت صلی الله علیه و آله صریحاً تقیه‌ای بودن آن را بیان کرده است. چنان که در مقابل، در بعضی احکام خاص مثل «مس علی الخفین» صریحاً اعلام داشته‌اند که اصلاً تقیه نمی‌کنند. اگرچه در همین جا هم بین علما بحث است که آیا اگر شیعه‌ای در خطر جدی باشد، می‌تواند مس را ترک کند یا خیر؟

تقیہ در سنت

- یادآور می‌شویم تقیہ یکی از مناشیء تعارض در روایات است. گاهی معصومان علیهم السلام یک حکم را در دو موقعیت جداگانه به دو صورت نقل کرده‌اند، به طوری که خود راویان هم از نحوه‌ی حکم آنها تعجب کرده‌اند. اما بعد از توضیح آنها یا به قرینه‌ای، متوجه تقیہ‌ای بودن یکی از آن دو شده‌اند.

تقيه در سنت

- شيخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۳۰۱ (كتاب الصلاة، ابواب صلاة الجماعة، باب ۵، ح ۹).
- شيخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۴۴۴ (كتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۲، ح ۳).
- شيخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۱۳۲ (كتاب الصيام، ابواب ما يمسك عنه الصائم و وقت الامساك، باب ۵۷، ح ۵).
- شيخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۴۵۷ (كتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۸، ح ۱).
- شيخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ۱، صص ۴۵۷ - ۴۶۳ (كتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۸).

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- بارها و بارها در طول بحث‌های گذشته نقش معصومان علیهم السلام را در گسترش حقایق اسلام بیان نموده‌ایم. جا دارد در انتهای بحث سنت به عنوان حسن ختام، یکبار دیگر به صورت گذرا به آن اشاره نماییم.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- همان طور که در تاریخ علم اصول بیان کردیم، ائمه علیهم السلام و حتی خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله علم اصول را که شیوه‌ای برای اجتهاد است، پایه ریزی و نهادینه کردند. آنها غیر از تفسیر محتوایی قرآن، روش و شیوه‌ای معیار برای فهم دین عرضه نمودند و بدین ترتیب مکتبی پایه ریزی کردند که مکتب تفسیری اهل بیت علیهم السلام نامیدیم.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- در بحث‌های اخیر، در تاریخ تدوین حدیث، شاهد نقش آنها در حفظ موارث اسلام بودیم. در ابتدا تشویق به حفظ و کتابت قرآن از سوی خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سپس تشویق به ضبط و ثبت احادیث توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، زمینه‌ی مناسبی برای تدوین کتب حدیثی در دوره‌های متأخر فراهم نمود تا بدین وسیله کلام الهی معصومان علیهم السلام با دقت هر چه بیشتری به نسل‌های آینده منتقل گردد.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- ضرورت وجود معصومان علیهم السلام بعد از نبی خاتم صلی الله علیه و آله مطلبی بود که در بحث اثبات عصمت ائمه علیهم السلام به آن پرداختیم و در آنجا گفتیم: همراهی کتاب و سنت به سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای این بوده است که بدون سنت دین اسلام نمی تواند دین خاتم باشد. چراکه دین خاتم اضافه بر کمال دین و اضافه بر یک منبع و حیانی مصون از تحریف - یعنی قرآن - نیازمند یک روش معیار برای فهم صحیح از آن منبع است تا هر محقق منصفی بتواند تفسیر صحیح از آن منبع را کشف نماید. سنت بیان این روش معیار است.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- و به همین سبب قرآن کریم خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربى؛ در حالی که در مورد سایر پیامبران می فرماید: و ما أسألكم علیه من اجر ان اجری الا على رب العالمین. یعنی در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجرتی قرار می دهد که مخصوص او است. سر این استثنا در خاتمیت دین اسلام است. بعضی عناصر خاتمیت مرهون مودت قریبی است.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- بدیهی است مقصود از «مودت قربی» فقط حب عاطفی نیست، اگرچه آن هم لازم است. آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل رسالتش از مردم می خواهد تبعیت از اهل بیت علیهم السلام و تمسک به آنها است؛ تبعیتی که حافظ دین اسلام است. بله از آنجا که حب عاطفی می تواند مقدمه ی تبعیت از محبوب را فراهم سازد، چنین حبی لازم است و این چیزی است که با کوچک-ترین آشنایی با سیره و مرام اهل بیت علیهم السلام در فرد ایجاد می گردد و به مرور بر شدت آن اضافه می شود.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- با این نگاه به دین خاتم، اسلام یک مذهب بیش نیست و مذاهب به معنای واقعی کلمه در آن راه ندارد. آنچه به اسم مذاهب وجود دارد، در واقع اجتهادات و فهم‌های افراد عادی است. همان گونه که بین علمای شیعه اختلافاتی وجود دارد؛ اما موجبات اختلاف مذهب را فراهم نمی‌آورد.

نقش معصومان علیهم السلام در اسلام

- اسلام یک دین است با یک تفسیر معیار و روش معیار برای فهم آن که در سنت معصومان علیهم السلام تجلی یافته است. هر قدر سایرین به این سنت نزدیک باشند، به همان اندازه به حق نزدیک-ترند و هر قدر از آن فاصله گیرند، از حق دور افتاده‌اند.
-
- ر.ک: دفتر چهارم از سلسله درس‌های خارج اصول استاد هادوی، مبحث «دلایل عدم تحریف قرآن، دلیل عقلی» و دفتر پنجم، مبحث «دلیل عقلی بر عصمت ائمه علیهم السلام».
- . شوری، ۲۳.
- . شعراء، ۱۸۰، ۱۶۴، ۱۴۵، ۱۲۷، ۱۰۹. شبیه این مضمون در آیات دیگر قرآن نیز آمده است.